

## مبانی فلسفی علم

### فلسفه نبوتی

آقای منوچهر بزرگمهر در قسمت اول مقاله « شك وشكاکیت در فلسفه » ( شماره پنجم همین دوره ) نوشته بودند : « ... و مکتب جدید پوزیتیویسم منطقی که درباره آن مناقشات بسیاری شده است و می شود از اخلاف مستقیم فلسفه هیوم است » . این بدین معنی است که بانی فلسفه پوزیتیویسم ( نبوتی ) ، هیوم می باشد . نویسنده مقاله زیر بانی این فلسفه را اوگوست کنت می داند و نوشتن زیر را در تکمیل مقاله آقای بزرگمهر فرستاده اند .

علم نو که بیشتر صاحب نظران آنرا دانش آزمایشی یا دانش مثبت می خوانند از قرن شانزدهم به بعد به سرعت رو به ترقی نهاد و در اندک مدتی نقش چنان مؤثری در زندگانی مادی بشر بازی کرد که برخی از حکما و فلاسفه واقع بین را متوجه خود ساخت . تا آنجا که فیلسوفانی مانند بیکن و هیوم و دیگران اعلام کردند که علم حقیقی باید بر مشهودات و محسوسات مبتنی باشد زیرا تجرید و انتزاع درباره امور عقلی و پیش اندیشی درباره علت و مبداء و غایت و نظایر اینها منشأ خطا و تردید می باشد<sup>۱</sup>

بدین ترتیب تمایل روز افزون حکمت و فلسفه به علوم طبیعی یا به « دانش مثبت » منتهی به پیدایش فلسفه نبوتی<sup>۲</sup> گردید . اگرچه بعضی از صاحب نظران بیکن و هیوم و بر کلی را در عداد فلاسفه نبوتی محسوب می کنند ولی گروه دیگری معتقدند که بانی فلسفه نبوتی به معنای اخص کلمه ، اوگوست کنت است .

به عقیده کنت ذهن بشر یکتواخت نیست و فعالیت آن از قانون ثابت و معینی بیروی نمی کند بلکه در طول زمان و طی تکامل خود دستخوش دگرگونی هائی شده است . این تحولها بدون ترتیب و به طور آشفته روی نداده است و تابع نظام و قانون خاصی بوده که کنت خود را کاشف آن قانون معرفی می کند<sup>۳</sup> .

طبق این قانون : « آراء و عقاید اساسی و رشته های مختلف دانش ما متوالیاً سه مرحله نظری مختلف را می پیمایند : مرحله زیبایی یا توهمی ، مرحله مابعدالطبیعه یا انتزاعی ، مرحله علمی یا نبوتی . به بیان دیگر ذهن بشر به مقتضای طبع خود در پرتو هوش هائی که انجام داده است متوالیاً سه روش مختلف ، حتی متضاد را بکار برده است : نخست روش زیبایی ، سپس تجریدی یا انتزاعی و سرانجام روش نبوتی . از اینجا سه نوع فلسفه مختلف یعنی سه مکتب عمومی متضاد به وجود آمده است که هر یک به نحو خاصی معلومات و مدارک ما را نسبت به مجموعه پدیده ها توجیه و تفسیر می کنند نخستین نظام فلسفی هوش انسان را بکار انداخته و آنرا در عرصه تفحص و تحقیق به حرکت در آورده است و سومین که همان مکتب نبوتی

۱- به مقالات آقای بزرگمهر در باره شك وشكاکیت در فلسفه که در شماره های قبل مجله سخن منتشر شد یا به این مأخذ زیر مراجعه شود : « Enquiries Concerning the Human Understanding » by David Hume .  
۲- Positivism

۳- به مقاله ای رجوع شود که کنت در آوریل ۱۸۲۴ تحت عنوان زیر در فرهنگستان علوم فرانسه قرائت کرد : « Système de Politique Positive » و همچنین به جلد اول کتاب : « Cours de philosophie positive » مراجعه شود

است آنرا به سر منزل نهائی به مرحله ثابت و قطعی رسانیده است. حال آنکه دومین مکتب یعنی نظام تجربیدی به مثابه رابطه بوده و دو نظام دیگر را به هم متصل کرده است ...

نکته جالب این که کنت از حکمت ربانی یا فلسفه تجربیدی انتقاد نمی کند و به آن کاری ندارد، حتی به ظاهر آن را به مقتضای زمان و مکان خود مفید می شمارد و هم چنین میبانی دانش آزمایشی را نقداً یا نفیاً تجزیه و تحلیل نمی کند بلکه آنرا اثباتاً می پذیرد یعنی در عداد علم مثبتش قلمداد می کند. هدف فلسفی کنت اینست که از اندیشه های علمی جانب داری کند و آنها را رواج دهد تا مردم خود در مقام مقایسه برآیند و به پوچ بودن خرافات و مطالبی که در فلسفه ما بعد الطبیعه بحث می شود پی ببرند و در نتیجه این مطالب و هر موضوع غیر علمی دیگر را در اوضاع و احوال کنونی و در قبال دانش مثبت مردود و بی معنا شمارند. به نظر کنت فلسفه نبوتی پدیده ها را تابع قوانین تغییر ناپذیر طبیعت می شناسد و می کوشد چگونگی آنها را به طور دقیقی کشف کند و در صورت امکان از تعداد آنها بکاهد. بطوری که هر قانون علمی بر تعداد زیادی از پدیده ها و روی دادهای طبیعت شمول یابد. مثلاً قانون نیوتون حقایق نجومی بی شماری را توجیه می کند و اعلام می دارد که میل اجرام به سوی یکدیگر با مجذور فاصله میان آنها به طور معکوس و باجرمشان به طور مستقیم تناسب دارد. همه می دانیم که قانون نیوتون حالت کلی و عمومی این اصل مسلم است: اجسامی که روی زمین واقعند هم وزن دارند ...

ولی فلسفه نبوتی به این مطلب کار ندارد که علت بدوی و غائی چیست و ماهیت قوه و وزن چگونه است بلکه فقط به این توضیح اکتفا می کند که: جاذبه وزن عمومی است و وزن جاذبه زمین است یا طور دیگر بگوئیم این دو معادل هم هستند. چنانکه می دانیم کنت در امور اجتماعی نیز صاحب نظر بوده و پر و فوسور «ابکن» عقاید وی را بدین شرح تلخیص کرده است<sup>۱</sup>.

به عقیده کنت فلسفه نبوتی آماده است که به جامعه سازمان جدیدی بدهد و بحرانهای را که گریبانگیر بیشتر ملت های متعین جهان شده است به پایان برساند زیرا علت این بحرانها هرج و مرج و بی نظمی است که از افکار متضاد و فلسفه های معارض ناشی شده است و ما اگر فلسفه نبوتی را تکمیل کنیم آن وقت فلسفه توهمی و فلسفه ما بعد الطبیعه خود به خود از میان خواهد رفت. زیرا دانش مثبت مورد علاقه مردم است، به طوری که بیشتر دستداران علم مطالب آنرا به مفاهیم توهمی و مجردات تعلقی ترجیح می دهند. پس بی هیچ تردید فلسفه نبوتی، گسترش بسیار خواهد یافت مشروط بر اینکه نقایص آن مرتفع شود.

۱ - Aiken, H. D. «The Father of Positivism» The Age of Ideology - The New American Library

